

سرمقاله

دو تهدید اقتصاد

ادامه از صفحه یک...پایمدهای شان زندگی روزمره مردم و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار داده‌اند.نخست،چالش‌های بیرونی یا همان فشارهای بین‌المللی است که از تحریم‌ها، محدودیت‌های سیاسی و فضای ژئوپلیتیکی پیچیده ناشی می‌شود و دوم، ناترازی‌های داخلی و ساختاری که در حوزه‌های مالی، منابع طبیعی و زیرساخت‌ها مشاهده می‌شود.از دیدگاه اقتصادی، ایران در چند سال اخیر نه تنها با کاهش شدید منابع مالی مواجه شده، بلکه نااطمینانی ناشی از تحریم‌های گسترده باعث شده تا بسیاری از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تمایل به فعالیت نداشته باشند.تحریم‌ها که ابتدا محدودیه بخش نفت و تبادلات مالی بود، به تدریج دامنه وسیع‌تری یافت و عملاً در تمامی حوزه‌های اقتصادی از واردات کالاهای اساسی گرفته تا صادرات محصولات و تعاملات بانکی اثر گذاشت.افزون بر این، تنش‌های منطقه‌ای و اختلافات سیاسی باعث شده‌اند که فضای اقتصادی در وضعیت «نه جنگ و نه صلح» قرار گیرد؛ وضعیتی که دد آن سایه تهدیدهای نظامی دائماً بر اقتصاد سنگینی می‌کندوباعث افزایش ریسک‌هاوتشدید عدم قطعیت در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی می‌شود.این ترکیب فشارها موجب شده است که دولت با کاهش چشمگیر درآمدهای ارزی مواجه‌شود؛درآمدهایی که در گذشته نقش حیاتی در بودجه عمومی و تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای ایفا می‌کردند. کاهش منابع مالی به نوبه خود محدودیت‌هایی را در حوزه هزینه‌های عمومی ایجاد کرده و به تدریج زمینه‌های رکود اقتصادی را فراهم آورده است.ر کودی که هم‌زمان با تورم بالا،فضای رکودتورمی راشکل داده‌واز سال۱۴۰۴ شدت گرفته است؛شرایطی که به احتمال زیاد ادامه خواهد یافت مگر اینکه تغییرات بنیادی در سیاست‌ها و شرایط بین‌المللی رخ دهد. در کنار این فشارهای بیرونی، ناترازی‌های داخلی نیز اقتصاد ایران را در معرض خطر قرار داده‌اند.از جمله ناترازی‌های مالی که به شکل عمیقی در ساختارهای صندوق‌های بازنشتگی، نظام بانکی و بودجه دولت به چشم می‌خورد، این ناترازی‌ها در حقیقت نشان‌دهنده عدم توازن میان منابع و مصارف مالی در بخش‌های مختلف است که هر چه بزرگ‌تر شده، تورم را در اقتصادافزایش داده ومحدودیت‌های سیاست‌گذاری را بیشتر کرده است. در حالی که بخش بزرگی از درآمدهای دولت به بازپرداخت بدهی‌ها و تأمین کسری‌های مالی اختصاص می‌یابد، منابع کافی برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و توسعه بخش‌های مولد باقی نمی‌ماند. این چرخه معیوب نه تنها رشد اقتصادی را مهار می‌کند، بلکه رفاه عمومی را نیز به شدت کاهش می‌دهد.ناترازی دیگر در بخش منابع طبیعی است؛ جایی که بحران‌های جدی در آب، انرژی و خاک کشور به چشم می‌خورد و به صورت زنجیره‌ای بر کشاورزی، صنعت و زندگی مردم تأثیر منفی گذاشته است. کمبود منابع آبی، مصرف بی‌رویه انرژی و فرسایش خاک به تدریج موجب کاهش تولیدات داخلی و افزایش وابستگی به واردات شده است. این مسئله به ویژه در شرایطی که محدودیت‌های ارزی نیز وجود دارد، بسیار بحران‌آفرین است. وقتی منابع پایدای یک اقتصاد به درستی مدیریت نشوند، امکان توسعه پایدار و افزایش رفاه کاهش می‌یابد و اقتصاد در مسیر رکود و آسیب‌پذیری قرار می‌گیرد.از سوی دیگر، تحولات جمعیتی نیز بر پیچیدگی‌های اقتصاد افزوده‌اند. نیمه دوم دهه ۸۰، موج بزرگی از متولدین دهه ۱۴۰۰وارد بازار کار شدند، ولی ظرفیت ایجاداشتغال برای این جمعیت عظیم وجود نداشت.

یادداشت

دلایل شکل‌گیری جنبش

«نه‌به پادشاه» در آمریکا

ادامه از صفحه یک...ساختار سیاسی و اجتماعی آمریکا به‌دست سفیدپوستان شکل گرفته است. با این حال، این باور با واقعیت‌های تاریخی هم‌خوانی ندارد. نخستین موج رسمی مهاجران به آمریکا با کشتی معروف «می‌فالور» در سال ۱۶۲۰ میلادی از انگلستان آغاز شد. برخلاف تصور عمومی، سرنشینان این کشتی همگی سفیدپوست انگلیسی نبودند؛ اگرچه اکثریت از انگلستان آمده بودند، اما افراد غیرانگلیسی نیز در میان آنها حضور داشتند. در دهه‌های بعد، موج‌های مهاجرتی از سراسر اروپا ادامه یافت. با این حال، جریان سیاسی جمهوری خواه در طول تاریخ همواره بر محوریت سفیدپوستان در شکل‌گیری هویت آمریکایی تأکید کرده است. دونالد ترامپ نیز این ذهنیت را به‌صورت آشکار یا غیرمستقیم در سخنرانی‌های خود تکرار کرده و معتقد است سفیدپوستان ارزش‌های بنیادین آمریکا را ساخته و وظیفه دارند از آن‌ها محافظت کنند. در دوره نخست ریاست‌جمهوری، این گرایش در گفتار و رفتار او کاملاً مشهود بود؛ هرچند با احتیاط بیشتری عمل می‌کرد، زیرا امیدوار بود بتواند برای دور دوم نیز انتخاب شود. در این مسیر پیروزی جو بایدن در انتخابات ۲۰۲۰ را نمی‌توان نتیجه انتخابی قطعی و آگاهانه از سوی مردم آمریکا دانست. بسیاری از رای‌دهندگان تنها برای رهایی از فضای اقتدارگرایانه و پرتنش دوران ترامپ به او رای دادند. با این حال، ضعف جسمانی و ناتوانی بایدن در مدیریت کارآمد کشور، زمینه را برای بازگشت دوباره ترامپ فراهم کرد. در انتخابات بعدی، ترامپ بار دیگر توانست حمایت گسترده‌ای از کالج‌های انتخاباتی و لایه‌های قدرتمند یهودی به‌دست آورد. بخشی از این حمایت‌ها به‌دلیل توافق موسوم به «پیمان ابراهیم» و پیگیری سیاست‌های همسو با منافع اسرائیل بود. اکنون که ترامپ وارد آخرین دوره ریاست‌جمهوری خود شده، دیگر نگرانی از بابت انتخابات آینده ندارد و همین موضوع موجب شده تا بی‌پرده‌تر از همیشه رفتار کند و در مواردی، آشکارا با اصول قانون اساسی آمریکاوازش‌های اعلامی خوددر تضاد قرار بگیرد.

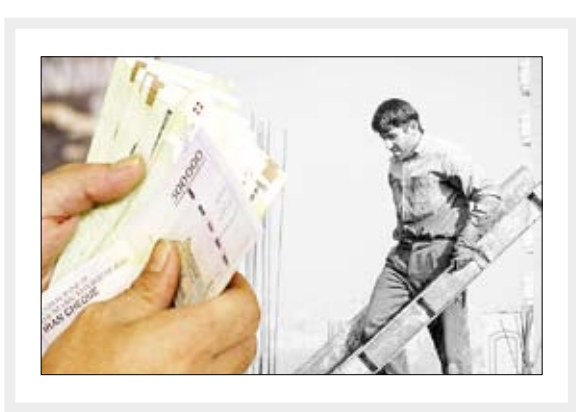
مسیر رشد تولید از رفح قیمت‌گذاری دستوری می‌گذرد



سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی، بر ضرورت رفح موانع بهره‌وری اقتصادی تأکید کرد و گفت: برای تحقق رشد پایدار تولید، باید انگیزه سرمایه‌گذاری و کارایی بنگاه‌ها را از مسیر اصلاح ساختارها افزایش داد. وزیر امور اقتصادی و دارایی اولین مانع را قیمت‌گذاری‌های دستوری دانست که اقتصاد کشور را گرفتار کرده و مانع رشد طبیعی بازارها شده است. وی چالش مهم دیگر را نظام تأمین مالی بانک‌محور معرفی کرد و بیان داشت: برخلاف اقتصادهای توسعه‌یافته که سهم بازار سرمایه در تأمین مالی تولید بالا است، در ایران این سهم بسیار اندک است. مدنی زاده افزود: سیاست اصلی وزارت اقتصاد سوق دادن بنگاه‌های بزرگ به سمت بازار سرمایه است. وزیر اقتصاد درباره برنامه‌های دولت برای پیش‌بینی‌پذیر کردن اقتصاد توضیح داد که کاهش نااطمینانی موجب مدیریت بهتر ریسک و افزایش تمایل مردم به پس‌انداز و ورود منابع خرد به بازار سرمایه خواهد شد. وی همچنین از اجرای «طرح رویش» خبر داد که سرمایه‌های خرد را به سمت تأمین مالی صنایع بزرگ هدایت می‌کند. مدنی‌زاده از طراحی صندوق‌های و اوراق ارزی نیز سخن گفت که به زودی تأمین می‌شوند تا نقدینگی مردم جذب شده و سرمایه در گردش بنگاه‌های بزرگ تأمین شود. این اقدامات همچنین به کنترل بازار ارز و جلوگیری از جهش نرخ‌ها کمک می‌کند.

«تجارت» اختلاف میان کارفرمایان و نمایندگان کارگری در تعیین حقوق سال ۱۴۰۵ را بررسی می‌کند

بلا تکلیفی در تعیین دستمز دکارگران



کار است. نمایندگان کارگری خواهان افزایش حقوق بر اساس سبد معیشت واقعی هستند و تأکید دارند که باید حداقل دستمزد به سطحی برسد که زندگی یک خانوار متوسط را پوشش دهد. در مقابل، نمایندگان کارفرمایی با اشاره به رکود اقتصادی، کاهش فروش، و افزایش هزینه‌های تولید، نسبت به افزایش شدید حقوق هشدار می‌دهند و آن را تهدیدی برای بقای بنگاه‌های اقتصادی می‌دانند. دولت نیز در این میان نقش میانجی را ایفا می‌کند، اما با توجه به محدودیت‌های بودجه‌ای و فشارهای تورمی، تاکنون نتوانسته است راه‌حلی جامع و مورد توافق ارائه دهد. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که دولت پیشنهاد افزایش بلکانی یا منطقه‌ای دستمزد را مطرح کرده، اما این پیشنهاد با مخالفت شدید نمایندگان کارگری مواجه شده است.

• تجربه سال‌های گذشته: از تأخیر تا اعتراض

تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که تعیین دستمزد کارگران همواره با چالش‌های جدی همراه بوده است. در برخی سال‌ها، جلسات شورای عالی کار تا روزهای پایانی اسفند ادامه داشته و حتی در مواردی بدون توافق نهایی، دولت به‌صورت یک‌طرفه رقم دستمزد را اعلام کرده است. این روند نه تنها اعتماد جامعه کارگری را خدشه‌دار کرده، بلکه موجب اعتراضات صنفی و نارضایتی‌های گسترده شده است. در سال ۱۴۰۴، حداقل حقوق کارگران با افزایش حدود ۴۵ درصد به ۱۰۰۳ میلیون تومان رسید، اما بسیاری از فعالان کارگری معتقد بودند که این رقم با واقعیت‌های اقتصادی فاصله دارد. حال با توجه به تداوم تورم، افزایش هزینه‌های انرژی و، رکود بازار، انتظار می‌رود که مذاکرات امسال نیز با حساسیت بیشتری دنبال شود.

ضرورت نظارت تمام نهادها بر تخصیص ارز ترجیحی

پیچیده‌ای همچون دهک‌بندی دقیق و نظارت شفاف است. وی افزود: اگر هدف از تخصیص ارز ترجیحی حمایت از مردم است، هیچ راهی جز اعمال نظارت دقیق وجود ندارد؛ چون در غیر این صورت، بهتر است ارز ترجیحی پرداخت نشود، چرا که نتیجه آن گسترش رانت خواهد بود. توکلی درباره نقش نهادهای نظارتی در این زمینه افزود: اگرچه بخشی از نظارت بر عهده بانک مرکزی است؛ اما بخشی دیگر از مسئولیت

جیب‌ده‌ای سوداگر سرراز بر شد. وی افزود: برخی از کالاهایی که با ارز ترجیحی وارد کشور می‌شد با نرخ بازار آزاد به دست مصرف‌کننده می‌رسید و این نقد همواره به ارز ترجیحی وارد بوده است. توکلی اظهار کرد: دغدغه تأمین نیازهای اساسی مردم، اقتصاددانان را به سمت طرح‌های جایگزین، همچون پرداخت یارانه مستقیم به مصرف‌کننده نهایی، سوق داده است، البته اجرای چنین طرح‌هایی نیز نیازمند ساز کارهای



تورم نتیجه کسری بودجه و بی‌انضباطی بانکی

گروه اقتصاد کلان: بهاء‌الدینی هاشمی در گفتگو با خبرنگار مهر درباره دلایل عدم توقیف بانک مرکزی در کنترل تورم، با وجود الزام قانونی به این امر، اظهار کرد: ریشه اصلی تورم در کشور ما رشد بی‌رویه نقدینگی است که عمدتاً از کسری بودجه دولت ناشی می‌شود. زمانی که دولت برای جبران کسری بودجه به منابع بانک مرکزی متوسل می‌شود، پایه پولی افزایش یافته و تورم شکل می‌گیرد. این کارشناس اقتصادی افزود: عامل دیگر نیز اضافه‌برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی است. هنگامی که بانک‌ها منابع خود را به‌صورت غیرمنضبط مصرف کرده و بازگشت نقدینگی در آنها انجام نمی‌شود، ناچار به برداشت اضافه‌ای منابع بانک مرکزی می‌شوند. هر دو عامل یعنی استقراض دولت و برداشت بی‌رویه بانک‌ها از جمله مواردی هستند که بانک مرکزی باید بر آنها نظارت و کنترل جدی اعمال کند. وی افزود: دلیل اینکه بانک مرکزی نتوانسته در این زمینه موفق عمل کند، به نبود استقلال این نهاد بازمی‌گردد؛ یعنی بانک مرکزی در تصمیم‌گیری‌های خود به لحاظ ساختاری و اجرایی از دولت منفک نیست و این وابستگی موجب تضعیف کارکرد نظارتی آن در شرایط بحرانی می‌شود. بهاء‌الدینی هاشمی در رابطه با راهکارهای فوری عبور از این وضعیت خاطرنشان کرد: نخستین اقدام باید جلوگیری کامل از کسری بودجه و ممنوعیت استقراض دولت از بانک مرکزی باشد. از سوی دیگر، بانک‌ها باید نظم مالی خود را رعایت کرده و اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی نداشته باشند. دولت نیز باید مطالبات بانک‌ها را به‌موقع پرداخت کند تا بانک‌ها دچار تنگنای نقدینگی نشوند. چنانچه دولت با کسری منابع مواجه باشد، تنها راه صحیح برای تأمین آن انتشار اوراق قرضه با ضمانت بانک‌هاست، نه استقراض مستقیم از بانک مرکزی. پرداخت تعهدات دولت به نظام بانکی از ارکان اصلی بازگرداندن نظم پولی در اقتصاد است. این کارشناس اقتصادی در ادامه در خصوص برآورد تورم سال جاری، تصریح کرد: با توجه به محدودیت‌ها و تنگناهای موجود در نظام پولی و مالی کشور، تورم امسال کمتر از سال گذشته نخواهد بود و احتمال تحقق نرخ‌های مشابه یا حتی بالاتر وجود دارد. اگر شرایط داخلی و خارجی کشور در همین وضعیت باقی بماند، باید تورم کنونی را واقع‌بینانه دانست. وی در پایان تصریح کرد: بی‌نظمی اقتصادی، هزینه‌های زائد و تخصیص بودجه‌های غیر ضروری به برخی دستگاه‌ها، عدم تمرکز تمامی درآمدهای کشور در خزانه، و همچنین سیاست‌گذاری‌های جزیره‌ای از جمله عواملی هستند که همچنان موتور تورم را شعله‌ور نگه می‌دارند.

بانک مرکزی به بهانه کنترل تورم، دسترسی مردم به وام بانکی را محدود کرده است



احمد بیگدلی، نماینده مجلس شورای اسلامی عملکرد بانک مرکزی در پرداخت تسهیلات ازدواج، فرزندآوری و مسکن را ناکافی و ضعیف ارزیابی کرد و گفت: این نهاد در این زمینه کوتاهی کرده است. این نماینده مجلس تأکید کرد: وقتی دولت مردم را به ازدواج و فرزندآوری تشویق می‌کند، باید زیرساخت‌های لازم برای حمایت مالی فراهم باشد و نمی‌توان تنها به توصیه بسنده کرد. وی افزود: بانک مرکزی و بانک‌های عامل وظیفه دارند منابع مالی و تسهیلات لازم را در اختیار متقاضیان قرار دهند و نباید با بهانه‌های مختلف از این مسئولیت شانه خالی کنند. به گفته او، مجلس بارها از طریق فراخواندن مدیران بانک مرکزی، نسبت به این کم‌کاری‌ها تذکر داده است، اما تاکنون اقدام موثری مشاهده نشده است. بیگدلی همچنین عملکرد بانک مرکزی را در سال‌های اخیر تحت سیاست‌های انقباضی نقدینگی و کنترل تورم نقد کرد و گفت: این سیاست‌ها باعث شده مردم به سختی به تسهیلات دسترسی داشته باشند و تحت فشار بگیرند. این نماینده مجلس تأکید کرد: میزان تسهیلات ازدواج، مسکن و فرزندآوری ناچیز است و تأثیری منفی بر نقدینگی واقعی خانواده‌ها اختصاص می‌یابد. او در پایان هشدار داد که ادامه این روند، نارضایتی مردم را افزایش داده و نهایتاً مجلس مجبور به اعمال تغییرات مدیریتی در بانک مرکزی خواهد شد تا مشکلات حل شود.

نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳

نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰

سید محمد باقر عسکری – شهردار فسا